عیسی محمدی

جامعه

این روزها هر کجا که می‌نشینید، صحبت از مشکلات اقتصادی خانوارها حرف اول و آخر است. البته مردم هم حق دارند. با این افزایش قیمت‌ها و این تورم‌های لجام‌گسیخته و این درآمدهایی که هنوز به اندازه کافی رشد نکرده و اضافه نشده، باید هم نگرانی اول، نگرانی‌های اقتصادی باشد. چرا نباشد؟ شاید صحبت در این وضعیت از مدیریت مالی خانوار کمی حساسیت‌برانگیز باشد و همه بپرسند که اساسا وقتی دخل و خرج جور درنمی‌آید، چطور باید به فکر مدیریت اقتصادی خانوار هم باشیم؟ در وهله اول، البته این استدلال درست است؛ دخل و خرج بیشتر خانوارها جور درنمی‌آید. اما در وهله دوم، شما اگر منتظر بمانید که شرایط مساعد شود و ابر و باد و مه و خورشید و فلك دست‌به‌دست هم بدهند و بعد اقدام کنید، در این صورت مدیریت اقتصادی و آرزوهای مالی که برای خانواده‌تان داشته‌اید، هیچ‌گاه عملیاتی نخواهد شد. در این مورد، بهتر است چند نکته را یادآوری کنیم تا اگر علاقه‌مند بودید به آنها توجه کنید. این نکته‌ها ایرانیزه شده آموزه برایان تریسی، مربی بزرگ توسعه فردی است که تقدیم شما می‌شود.

ما در شرایط بد اقتصادی هستیم، درست. اما این شرایط هر از چندی برای مملکت ما پیش می‌آید. شما تورم‌های وحشتناك سال ۹۰ تا ۹۲ را حتما یادتان نرفته است. یا حتی تورم‌های بالای زمان دولت سازندگی را و حتی شرایط اقتصادی سال ۶۵ در جنگ ایران و عراق که باعث شد با مشکلات اقتصادی روبه‌رو شویم. از این دست مشکلات غالبا هر چند سال یکبار پیش می‌آید. اما به‌قول معروف، یك قهرمان هیچ‌وقت گریه نمی‌کند؛ او آن‌قدر تمرین می‌کند و پایبند می‌ماند تا به هدفش برسد. هدف شما ایجاد امنیت مالی برای خانواده‌تان است. پس چه هوا بارانی باشد و چه آفتابی، باید به باشگاه رفته و تمرین کنید و باشگاه شما مدیریت اقتصادی و کسب درآمد و پس‌انداز و... است. آیا یك قهرمان واقعی را دیده‌اید که فقط وقتی حوصله داشته و هوا آفتابی و خوب باشد به باشگاه برود؟ چنین قهرمانی به‌جایی نخواهد رسید. شما هم باید در همه حال، برای مدیریت دخل‌وخرج خود زمان و وقت و توجه و حوصله لازم را کنار بگذارید؛ وگرنه اوضاعتان از این که هست، بدتر خواهد شد.

گام اول صرفه‌جویی است

نکته مهم بعدی، صرفه‌جویی در زندگی است. چرا سگرمه‌هایتان در هم می‌رود؟ صرفه‌جویی به معنای سختی دادن به خود نیست. یکی از مسؤولان نظامی کشور در پاسخ به لفاظی‌های مقامات آمریکایی، گفته بود که دوریز غذای ایرانی‌ها می‌تواند میلیون‌ها آمریکایی را سیر کند. حالا به آمار و ارقام و دلیل بیان این سخن که در پاسخ به سخنان تحقیرآمیز آمریکایی‌ها بیان شد کاری نداریم، اما بخشی از این حقیقت درست است؛ ایرانی‌ها در مصرف مواد غذایی واقعا اسرافکارند. ایرانی‌ها حتی در مصرف انرژی و آب و... هم اسرافکارند. آبی که یك ایرانی هنگام حمام کردن مصرف می‌کند، چند برابر یك فرانسوی است! هدفمان از فهرست‌کردن این مباحث، آن است که اشاره کنیم ما ایرانی‌ها در سبك زندگی‌مان نوعی اسراف و زیاده‌خواهی وجود دارد؛ درحالی‌که نباید چنین باشد. حالا همین امر را شما می‌توانید به بخش‌های دیگر هم سرایت بدهید.

مردها دست به آچار شوند

برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها البته راه‌های مختلفی وجود دارد. بزرگ‌ترین نقش را در این زمینه می‌توانند خانم‌های خانه‌دار ایفا کنند. مردان نیز می‌توانند اثربخشی بسیاری داشته باشند. در حال حاضر متخصصان امور تأسیساتی برای نصب یك شیر اهرمی حمام، مبلغی حدود ۳۰ تا ۵۰ هزار تومان مطالبه می‌کنند. این در حالی است که با کمی دانش فنی و کمی هم ابزارآلات مورد نیاز، خودتان می‌توانید اقدام به این کار کنید. درواقع افزایش دانش فنی و تأسیساتی مردان خانه باعث صرفه‌جویی قابل توجهی در هزینه‌های تعمیراتی منزل می‌شود. خانم‌های خانه‌دار نیز در نگهداری از وسایل خانه می‌توانند دقت بیشتری داشته باشند. مبل‌ها و وسایل آشپزخانه و... را می‌توان چند سالی بیشتر نگه داشت و مورد استفاده قرار داد؛ اما استفاده بی‌برنامه و بی‌دقت از آنها باعث می‌شود عمر مفیدشان سریع‌تر به پایان برسد.

کمتر ولی بهتر بخرید

نکته مهم‌تر بعدی، استفاده از اجناس باکیفیت است. صرفه‌جویی یعنی کمتر، ولی بهتر خرید کنید. شاید خرید یك کفش برند ۴۰۰ هزارتومانی برای شما یك هزینه وحشتناك در این وضعیت فعلی قلمداد شود. اما با تصور پیش‌فرض کیفیت این کفش و عمر مفید آن و استهلاك دو سه ساله‌اش می‌توانیم به این نتیجه برسیم که خرید این کفش ماهانه هزینه‌ای بین ۱۱ هزار تا ۱۶ هزار و ۶۰۰ تومانی برای ما داشته باشد. درحالی‌که اگر اقدام به خرید کفشی با قیمت بین هفتاد تا صد هزار تومان کنیم، احتمالا بیشتر از چهار تا شش ماه دوام نخواهد آورد. یعنی در بهترین حالت شما باید سالانه دو عدد کفش تهیه کنید که می‌شود ۲۰۰ هزار تومان؛ در طول دو یا سه سال این رقم می‌شود بیشتر از ۴۰۰ هزار تومان. البته در وضعیت افزایش قیمت‌های فعلی، شما همین کفش را باید سال بعد با قیمت بالاتری بخرید. پس اگر ما وضعیت ایده‌آل را مدنظر نداشته باشیم، می‌بینیم که شما از نخریدن یك کفش برند خوب و باکیفیت در حال ضرر هستید. حالا بحث‌های آسیب کفش‌های عادی به پا و راحت نبودن شما و... بماند. در بحث صرفه‌جویی، خانم‌های خانه‌دار می‌توانند به تهیه مواد غذایی مورد نیاز در خانه و با کیفیت کمتر نیز توجه کنند؛ یا به خرید این مواد مورد نیاز از تولیدکنندگان خانگی دیگر. درنهایت این‌که شما باید راهی برای صرفه‌جویی پیدا کنید؛ چه دراین‌باره احساس خوبی داشته یا نداشته باشید. این یك انضباط مالی است؛ در همه حال باید رعایت شود؛ حتی اگر در روزگاری درآمد شما به ۲۰ میلیون تومان در ماه هم برسد.

پس‌اندازی که شاید شیرین نباشد

مساله بعدی پس‌انداز است. دخل و خرجتان با هم نمی‌خواند و هماهنگ نیست؟ اشکالی ندارد؛ اتفاقا در این دوره‌هاست که باید پس‌انداز کنید. وگرنه پس‌انداز کردن در شرایط عادی که هنر نیست. پس‌انداز درواقع یك نوع نگاه و نگرش است. باید خودتان را به آن عادت بدهید؛ حتی اگر سخت باشد. واقعا چرا پس‌انداز نمی‌کنید؟ چون پول ندارید و پولی برایتان نمی‌ماند؟ پس در این صورت و اگر پس‌انداز نکنید، در آینده کمتر از امروز پول خواهید داشت. در اینجا یا باید زحمت پس‌انداز کردن امروز را به خودتان بدهید یا در آینده غصه و نگرانی پول نداشتن را تحمل کنید.

پس‌انداز یك نگرش است، نه یك کار مالی

نکته مهم‌تری که بیشتر کارشناسان مدیریت مالی در این زمینه به آن اشارت‌ها می‌کنند، بحث پولی است که در نهایت می‌توانید پس‌انداز کنید. مهم نیست چقدر درآمد دارید، مهم این است که چقدر از این درآمد را نگه‌می‌دارید. ممکن است یك عضو هیات‌علمی پنج شش میلیون تومان در ماه درآمد داشته باشد، اما به‌واسطه نبود مدیریت مالی صحیح و ولخرجی، در پایان ماه نه‌تنها چیزی از این پنج شش میلیون تومان باقی نماند که حتی بدهی هم داشته و خرید کرده باشد تا پولش را ماه بعد پرداخت کند. اما در عین حال یك کارگر خدماتی که شاید درآمدش با همه اضافه‌کاری‌ها بالاتر از دو میلیون تومان در ماه هم نباشد، بتواند مقداری از پولش را نگهداری کند. پس می‌بینید پس‌انداز کردن یك سبك زندگی و نگرش است تا این‌که اساسا ارتباطی به داشتن و نداشتن و مشکلات اقتصادی داشته باشد.

مقید به افزایش درآمد شوید

به گام بعدی می‌رسیم؛ افزایش درآمد. لبخند می‌زنید؟ در حقیقت اگر به ایده افزایش درآمد بخندید، یعنی این که نگرش مالی شما هنوز مشکل دارد. به دوروبرتان نگاه کنید؛ افرادی که بیشتر از شما درآمد دارند، غالبا بیشتر از شما نمی‌دانند و حتی بیشتر از شما کار نمی‌کنند. آنها فقط کارهایی را انجام می‌دهند که شما یا انجام نمی‌دهید یا آموزش ندیده‌اید که انجامشان داده یا خجالت می‌کشید انجامشان دهید یا اساسا حوصله‌اش را ندارید. آیا شما حاضرید برای افزایش درآمد در یکی از جمعه یا پنج‌شنبه بازارها، اقدام به خرید و فروش کنید؟ درآمد شما در حال حاضر بیشتر از ناحیه شغلی که دارید، تأمین می‌شود. سؤال اصلی اینجاست که خانوارها چه منابع درآمدی دیگری دارند؟ شاید یك خانوار مغازه‌ای داشته باشد و اجاره بگیرد؛ یك خانوار دیگر مختصر پولی در بانك گذاشته و سود بگیرد؛ پدر خانواده دیگری نیز بعد از ساعت‌های اداری با ماشین شخصی‌اش کار کند. اما غالب خانوارها ایده‌ای برای افزایش درآمد یا درآمدهای دیگر ندارند. واقعا چرا؟ ساده‌ترین و قوی‌ترین دلیل این است: هیچ‌گاه این سؤال را برای خودشان مطرح نکرده و خودشان را تحت فشار قرار نداده‌اند تا به پاسخ‌های مورد نیاز برسند. شگفت‌انگیز این‌که حتی گاهی که به پاسخ‌های مورد نیاز می‌رسند، تعهد لازم برای مقید ماندن به آن را ندارند؛ چراکه غالبا می‌خواهند به‌صورت ضربتی به استقلال مالی برسند، درحالی‌که استقلال مالی یك فرآیند زمانبر است و چند سال زمان می‌برد. پس باید صبور بود.

گام نهایی

زندگی+

شما صرفه‌جویی کرده و درآمدتان را افزایش داده‌اید، حال چه باید کرد؟ در این وضعیت مناسب نیست که پول نقد به‌دست‌آمده را که بسختی گیر آورده‌اید، بی‌مصرف بگذارید. باید این پول را سرمایه‌گذاری کنید. نقل است که حضرت علی(ع) نخلستان‌های فراوانی داشت که به دست خود به بار نشانده بود. او از طریق درآمد درختان نخل، موفق شد برای چند نفر از اقوام خود خانه خریده و بخشش‌های زیادی داشته باشد. حتی بعد از شهادتش وصیت کرده بود که اصل این درختان حفظ شده و محصولات آنها به دیگران بخشیده شود. شما هم باید درختان نخلی در زندگی‌تان پیدا کنید که تا سال‌ها بتواند برای شما درآمدزایی کند. در این زمینه از دیگران پرس‌وجو کنید، از خانوارهای موفق نظرسنجی کنید و... برای سرمایه‌گذاری باید دقت و مطالعه فراوانی داشته باشید، وگرنه پولی را که در این دوره و زمانه و با این زحمت به دست آورده‌اید براحتی از دست خواهید داد.

حق با شماست

info@jamejamonline.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#بازار-رها

زندی از قم:

دولت فقط وعده کنترل بازار و گرانی را می‌دهد، ولی درعمل هیچ نظارتی بر بازار وجود ندارد و قیمت‌ها روزانه افزایش پیدا می‌کند.

#پوشاك-گران

بوجار از تهران:

پوشاك بزرگسالان بسیار گران شده و تهیه این کالا برای افراد نیازمند سخت است.

#پارکومتر-آموزش

سلمانی از تهران:

بیشتر رانندگان در مورد نحوه استفاده از پارکومترها آگاهی کافی ندارند و همیشه با جریمه‌های بسیار سنگین مواجه می‌شوند. چرا شهرداری اقدامی برای کمك به شهروندان نمی‌کند؟

#بزرگراه-قم

زهرایی از قم:

فاصله پمپ بنزین‌ها و استراحتگاه‌ها در اتوبان قم به سمت تهران زیاد است. لطفا رسیدگی شود.

#سرویس-بسته

رئوفی از تهران:

چرا در سرویس‌های بهداشتی میدان کلاهدوز همیشه روی شهروندان بسته است؟ این منطقه با وجود داشتن پادگان‌های نیروهای مسلح و حضور سربازان شهرستانی که به استفاده از این سرویس‌های بهداشتی نیاز دارند، مشکلاتی ایجاد کرده است.

#نمایشگاه-گل

حاجیان از تهران:

چرا نمایشگاه و باغ‌های گل و گیاه فقط در چند نقطه تهران واقع است و دیگر نقاط این بازارچه‌های زیبا را ندارند.

#کمبود-پارکینگ

قائمی از تهران:

میدان ولیعصر پارکینگ‌های عمومی مناسب ندارد و با توجه به تردد زیاد خودروها در این خیابان مشکلاتی برای شهروندان به‌وجود آورده است.

#روغن-موتور

عرفانی از ساری:

چرا روغن موتور و مشتقات آن که در داخل با تمام مواد اولیه داخلی تولید می‌شود باید قیمتی چندبرابری پیدا کند؟

#زباله-بیمارستان

نجفی از تهران:

استاندارد نبودن ماشین‌های حمل زباله بیمارستانی، باعث سرازیر شدن زباله و شیرآبه‌های پسماند بیمارستانی می‌شود.

مدیریت خریدهای بی‌برنامه کودکان

روان‌شناسان اشاره می‌کنند ما وارد دوره فرزندسالاری شده‌ایم. نشانه‌هایش هم در بیشتر خانواده‌ها قابل مشاهده است؛ این‌که بدون هیچ دوراندیشی و برنامه‌ای، به همه حرف‌های فرزندان خودگوش می‌سپاریم و کافی است کمی سر و صدای آنها بلند شود یا بزنند زیر گریه تا دلمان به رحم بیاید و نیازهایشان را رفع کنیم. اما این فرآیند، به نتیجه جالبی نخواهد رسید و برای تربیت درست فرزندان، نیاز به قاطعیت و دوراندیشی و مهربانی بموقع داریم. در حقیقت این مهربانی‌های بی‌موقع فرزندان ما را نابود می‌کند.

یکی از مواردی که دچار مهربانی‌های بی‌موقع و بی‌جا می‌شویم، زمان‌های حضور در بیرون و مراجعه به مغازه‌های مختلف البته همراه با فرزندان است. در این هنگامه، بدون این‌که هیچ برنامه و طرحی داشته باشیم، انواع و اقسام خوراکی‌ها و اسباب بازی‌ها را برای فرزندان‌مان تهیه می‌کنیم. استدلال‌مان هم این است اگر نخریم، بچه‌مان سرخورده می‌شود.

البته این ایده مدت‌ها مطرح بوده است و برخی کارشناسان پیشنهاد می‌دادند باید فرصت‌هایی برای خالی کردن خشم و عصبانیت‌مان فراهم آوریم. چرا چنین ایده‌ای مطرح می‌شد؟ چون پیشفرض کارشناسان مربوط این بود که وضعیت روانی انسان مانند یك دیگ است که روی اجاق گاز گذاشته شده است. اگر جوش بیاید و منفذی نداشته باشد، منفجر خواهد شد، اما در ایده‌های تربیتی جدیدتر، ماجرا تفاوت می‌کند.

هرچقدر عصبانیت و خشم را بیشتر کنترل کنیم، نسبت به بروز ناگهانی آن ایمن‌تر خواهیم بود. به همین نسبت هرچقدر بتوانیم خواسته‌های نامعقول فرزندان‌مان را بیشتر کنترل کنیم، در نتیجه لطف بیشتری در حق آنها خواهیم کرد.

۲ نتیجه برای یك کار

این همه را گفتیم تا اشاره کنیم موقع پول توجیبی دادن و خرید برای فرزندان با برنامه عمل کنید.

در این زمینه حتما استراتژی مشخصی داشته باشید این‌که دقیقا چه کارهایی نباید انجام بشود و چه کارهایی باید انجام بشود. قطعا خرید مواد خوراکی خوشرنگ و لعاب، ولی عاری از ارزش غذایی، می‌تواند جزو گزینه‌هایی باشد که باید حذف بشوند. اما چطور؟

از اصول روان‌شناسی تربیتی و جایگزین‌های مناسب و خوشرنگ و لعاب ولی با ارزش غذایی مناسب مانند میوه‌های خشك و آبمیوه‌های طبیعی در لیوان‌های عروسکی و... می‌شود استفاده کرد.

چنین امری، دو نتیجه درخشان تربیتی و مالی برای شما دارد: هم باعث می‌شود فرزندان شما زیاده‌خواه بار نیایند و ارزش داشته‌های خود را بدانند و هم این‌که هزینه‌کرد شما برای خریدهای بی‌برنامه فرزندان‌تان کمتر، ولی هوشمندانه‌تر خواهد شد.